

# اثر تثبیت نرخ ارز

## بر تجارت خارجی

واحد کارشناسی معاونت پژوهش  
و آمار و اطلاعات



### بیان مسئله:

بدون شک یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی در سطح کلان کشورها، بازار ارز می‌باشد. از آن‌جا که نرخ ارز مهم‌ترین مجرای (متغیر) ارتباط دهنده فرایندهای داخلی

و خارجی اقتصاد می‌باشد، مدیریت به همین روی و حفظ نرخ معینی برای آن می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. مروری بر ادبیات اقتصادی، حکایت از وجود رژیم‌های مختلف ارزی دارد که اجمالاً می‌توان آن‌ها را به دو گروه کلی نظام‌های ثابت و شناور ارزی تقسیم نمود. در نظام‌های ثابت ارزی، نرخ ارز در محدوده یا سطح معینی تثبیت شده و تلاش بر آن است تا در همان نرخ حفظ شود؛ و در نظام‌های شناور فرض بر این است که نرخ ارز بسته به نظام عرضه و تقاضا تعیین شود.

در هر حال به هر یک مزایا و معایبی مترتب می‌باشد. بدون شک هر یک از نظام‌ها، حوزه‌های پیرامونی خود را نیز در عرصه اقتصاد تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ حوزه‌هایی چون بودجه دولت، تجارت خارجی و ... که می‌توانند حائز اهمیت باشند. این نوشتار به بررسی اثر نظام تثبیت ارزی بر حوزه تجارت خارجی پرداخته می‌شود.

### سیاست تثبیت نرخ ارز

اصولاً سیاست تثبیت نرخ ارز در کشورهایی اجرا می‌شود که با محدودیت‌هایی در خصوص منابع ارزی مواجه می‌باشند. با توجه به ادبیات موضوع، تثبیت نرخ ارز به حالتی اطلاق می‌شود که مقامات پولی نرخ ارز را

و تعادل می‌رسند که می‌تواند پیوسته ادامه یابد؛ اما در تثبیت در قالب دخالت‌ها و الزامات خارجی تثبیت شده و به ثبات رسانده می‌شوند و بدین دلیل در صورت کاهش دخالت‌ها و

نیروهای بیرونی هر لحظه این احتمال وجود دارد که از وضعیت با ثبات خود (به صورت تصنعی) خارج شوند. لازم به ذکر است آن چه در ادبیات اقتصادی بعنوان مینا مطرح می‌باشد، ثبات اقتصادی است و نه تثبیت.

بازار ارز نیز از این مقوله جدا نیست. به عبارت دیگر مقتضی است مقامات پولی کشور به گونه‌ای رفتار نمایند که بازار ارز در یک نرخ تعادلی به ثبات برسد و نه آن که بازار ارز را در نرخی دیکته شده تثبیت نمایند. بدیهی است هر چه فاصله نرخ ارزی که توسط مقامات پولی تعیین شده است، با نرخ تعادلی اقتصاد (هر چند که وجود خارجی ندارد) بیش‌تر باشد، شکنندگی و عدم تعادل بازار ارز بیش‌تر می‌شود. مثلاً در شرایطی که نرخ ارز تعادلی اقتصاد (با توجه به همه فاکتورهای اقتصادی) می‌بایست ۱۵۰۰ تومان باشد، اما مقامات پولی با دخالت‌های مکرر، آن را در سطح ۱۰۰۰ تومان نگه داشته‌اند، از این‌رو مبلغ ۵۰۰ تومان این اصطلاحاً انحراف از نرخ ارز تعادلی نامیده می‌شود. بدیهی است هر چه این انحراف بیش‌تر باشد، مدیریت بازار ارز مشکل‌تر و زمینه برای سوءاستفاده بیش‌تر می‌شود. نتیجه آن که نرخ ارز در شرایط تثبیت، یک نرخ تعادلی نیست.

در سطحی مشخص (و معمولاً پایین) تثبیت نموده و می‌کوشند با کنترل تقاضا، از این سیاست حمایت نمایند. این سیاست تقریباً در نیمه دوم دهه ۶۰ و نیمه اول دهه ۷۰ در اقتصاد ایران مشهود می‌باشد.

لازم به ذکر است، با توجه به تجربه سال‌های اخیر اقتصاد ایران، شاید با کمی اغماض، بتوان برای وضعیت ارزی کشور طی این سال‌ها نیز از اصطلاح تثبیت استفاده نمود؛ چرا که هر چند در ظاهر نظام ارزی کشور «نظام ارزی شناور مدیریت شده» بوده است اما عملاً بانک مرکزی در قالب تزریق منابع عظیم ارزی، به نوعی، نرخ ارز را در محدوده‌ای مشخص تثبیت نموده که خود می‌تواند پیامدهایی برای کشور به همراه داشته باشد.

### آیا تثبیت نرخ ارز یک وضعیت تعادلی است؟

به طور کلی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های کلان، دست‌یابی به ثبات اقتصادی می‌باشد. بدین معنا که در قالب سیاست‌های پولی و مالی به گونه‌ای رفتار شود که اقتصاد به تعادل رسیده و به ثبات برسد و نه این که در قالب دخالت‌های مستقیم تثبیت گردد؛ چرا که بین ثبات و تثبیت اقتصادی تفاوت وجود دارد. در ثبات اقتصادی مکانیزم‌های اقتصادی در قالب تعاملات درونی، خود به ثبات

## تبعات تثبیت نرخ ارز

همان‌گونه که مطرح شد در تثبیت نرخ ارز وجود مقداری انحراف از نرخ تعادلی ارز محتمل است که می‌تواند کم و یا زیاد باشد. از آن جا که نرخ ارز خود به نوعی قیمت یک واحد پول خارجی است، از این رو وجود قیمت‌های تثبیتی (همچون سایر کالاها) در حوزه ارز نیز می‌تواند مشکل‌ساز باشد. اولین پیامد آن این است که در صورت تثبیت نرخ ارز در سطوح پایین، تقاضا برای ارز (به صورت واقعی و یا سفته‌بازانه) افزایش می‌یابد، چرا که اساساً در اختیار گرفتن منابع ارزی به نرخ تثبیت‌شده و استفاده از مابه‌التفاوت آن با نرخ تعادلی می‌تواند منافع زیادی به همراه داشته باشد. چه این کار از طریق واردات کالاها و فروش آن‌ها صورت گیرد و چه با فروش مستقیم ارز به نرخ تعادلی (بازار) به متقاضیان انجام شود.

تجربه موجود، حکایت از آن دارد که دولت‌ها بسته به شرایط، دو برخورد را در دستور کار خود قرار داده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) در حالت اول که نرخ ارز در سطوح پایین تثبیت شده و دولت به منابع ارزی کافی برای پاسخ‌گویی به تقاضای بازار دسترسی ندارد، از طریق محدود کردن تقاضا، بازار را مدیریت می‌نماید. این محدودیت می‌تواند از راه‌های زیر به وجود آید.

- محدود کردن واردات؛
- اعطاء مجوزهای خاص؛
- ممنوع کردن نقل و انتقالات

ارزی؛

- الزام صادرکنندگان به تحویل درآمدهای ارزی شان به سیستم بانکی؛

- صدور سهمیه‌های ارزی برای مصارف خاص.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در قالب محدودیت‌های فوق عملاً زمینه تقاضا و دسترسی به منابع ارزی کاهش می‌یابد که خواه ناخواه در کاهش تقاضا مؤثر خواهد بود. این شرایط همان رویه ای است که توسط دولت ایران در سال‌های جنگ و پس از جنگ تا زمان یکسان‌سازی نرخ ارز در دستور کار بود.

ب) حالتی که نرخ ارز در سطحی پایین‌تر از نرخ تعادلی، حفظ (تثبیت) می‌شود؛ اما در قالب تزریق منابع ارزی و

پاسخ‌گویی به درخواست‌ها، تقاضای بازار پاسخ داده می‌شود. این شرایط همان رویه‌ای است که توسط دولت ایران در سال‌های اخیر در دستور کار قرار گرفته است. بدیهی‌ترین پیامد این سیاست، صرف مقادیر هنگفت از منابع ارزی و متقابلاً افزایش شدید واردات و تغییر قیمت‌های نسبی به ضرر تولیدات داخلی است؛ هر چند که می‌تواند منفعتی نیز، به خصوص در زمینه جلوگیری از تورم داشته باشد.

## اثر تثبیت نرخ ارز بر تجارت خارجی

همان‌گونه که در بخش قبل مطرح گردید، بدون شک نحوه نرخ‌گذاری (تثبیت) ارز با حوزه تجارت خارجی مرتبط می‌شود و آن را متأثر می‌سازد؛ چرا که اگر در اقتصاد، سیاست تثبیت نرخ ارز از نوع الف برقرار باشد، عملاً در راستای سیاست دولت برای تخصیص منابع محدود ارزی، حوزه تجارت خارجی محدود می‌شود، چرا که ارز بسیار محدودی برای واردات، تخصیص می‌یابد و عمدتاً صادرکنندگان نیز ملزم می‌شوند درآمدهای ارزی خود را در اختیار دولت (بانک‌ها) قرار دهند. هر چند که در برخی سال‌ها در قالب سیاست واردات در مقابل صادرات، این حق به صادرکنندگان داده شده بود که ارز خود را به منظور واردات مصرف نمایند. در این رابطه دولت سیاست‌های مختلفی در پیش گرفته است.

در حالتی دیگر از تثبیت نرخ ارز (حالت ب) با توجه به پاسخ‌گویی دولت به تقاضای موجود، شدیداً حوزه تجارت خارجی (واردات) گسترش می‌یابد و متقابلاً به دلیل پایین بودن نرخ ارز، صادرات آسیب می‌بینند. در این شرایط بعضاً حالتی به وجود می‌آید که در طیف وسیعی از کالاهای مورد نیاز خانوار، تأمین مایحتاج از بازارهای جهانی (به دلیل قیمت پایین ارز) در مقایسه با استفاده از تولیدات داخلی به مراتب مقرون به صرفه‌تر می‌باشند. در این شرایط صنایع داخلی شدیداً زیان می‌بینند.

بنابراین این که محیط پیرامونی سیاست تثبیت نرخ ارز چگونه باشد، تجارت خارجی به صورت معنی‌داری تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

## اثر تثبیت نرخ ارز بر حوزه اقتصاد پنهان

جدای از تبعات جانبی سیاست تثبیت نرخ ارز، این سیاست می‌تواند فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی را نیز متأثر سازد. مثلاً در حالت «الف» به دلیل تدابیر شدید کنترلی توسط دولت در بازار ارز و هم‌زمان، وجود تقاضا برای منابع ارزی، فعالیت‌های قاچاق ارز به اشکال مختلف می‌تواند (به دلیل سوددهی بالا) رواج یابد. این امر می‌تواند در قالب روش‌هایی چون: عدم اعلام و واگذاری ارز حاصل از صادرات به دولت و متقابلاً گردش در بازار آزاد، دستیابی به سهمیه ارزی با نرخ‌های پایین؛ و فروش در بازار آزاد و ...، صورت پذیرد.

در حالت «ب» به دلیل وفور منابع ارزی، مقوله قاچاق ارز در داخل، دیگر مصداق نمی‌یابد؛ اما از سوی دیگر به دلیل پایین بودن نرخ ارز، تقاضای ارز برای مصارف خارج از مرزهای کشور، چه در قالب هزینه‌های توریستی، و چه در قالب خرید دارایی‌های خارجی، چه سرمایه‌گذاری و غیره، به شدت افزایش می‌یابد و از آن جا که الزاماً بستر مناسبی به منظور انتقال مقادیر قابل توجه ارز برای مصارف فوق وجود ندارد، بستری در راستای پدیده فرار سرمایه به وجود می‌آید و این به معنی خروج غیرقانونی مقادیر قابل توجه از منابع ارزی است.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیاست تثبیت نرخ ارز بسته به شرایط در کشورهای مختلفی تجربه شده است؛ اما الزاماً این سیاست حکایت از عملکرد تعادلی یک اقتصاد نداشته و عملاً نوعی فضای کنترلی و شدیداً مدیریتی شده را تداعی می‌نماید که می‌تواند تبعات خاص خود را داشته باشد. در حوزه تجارت خارجی، سیاست تثبیت نرخ ارز بسته به نظام ارزی، نوعی اختلال را در بخش صادرات و واردات (به شکل محدود کردن شدید و یا گسترش بیش از حد) به وجود می‌آورد که مطلوب نیست. در ضمن، از آن جا که این سیاست به نوعی فاصله‌گرفتن از نرخ تعادلی ارز می‌باشد، می‌تواند زمینه‌ای برای سوء استفاده از منابع ارزی (چه به صورت قاچاق در بازار داخلی و چه به صورت فرار سرمایه) را به وجود آورد. ■